

سیدرسول موسوی^۱

با فروپاشی شوروی، چهار قدرت هسته‌ای جدید یعنی روسیه، اوکراین، بیلوروس و قزاقستان در صحنه سیاست جهانی ظاهر شدند. آمریکا و روسیه هر دو از نگاه منافع راهبردی خود با هسته‌ای بودن سه کشور دیگر مخالف بودند و درصدد برآمدند تا آنان خلع سلاح (هسته‌ای) شوند. تجربه خلع سلاح هسته‌ای قزاقستان مشابهت زیادی با خلع سلاح هسته‌ای دو کشور دیگر اوکراین و بیلوروس دارد. در این مقاله تلاش بر آن است تا ضمن مطالعه تجربه خلع سلاح هسته‌ای قزاقستان و فرازوفرودهای سیاست‌های امنیتی منطقه‌ای و جهانی نتایج خلع سلاح و دستاوردهای قزاقستان پس از ده سال از این خلع سلاح مورد مطالعه قرار گیرد و به این پرسش پاسخ داده شود که قزاقستان در قبال خلع سلاح داوطلبانه خود چه چیزی بدست آورد؟

فروپاشی شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ وضعیت متناقضی را در امنیت جهانی ایجاد نمود. یک ابرقدرت هسته‌ای از بین رفت اما بجای آن چهار قدرت هسته‌ای جدید به نامهای روسیه، قزاقستان، اوکراین و بیلوروس که خود را وارث ابرقدرت شوروی می‌دانستند جایگزین شدند.

مهمترین عنصر قدرت در نظام شوروی قدرتی نظامی و در رأس قدرت نظامی سلاحهای هسته‌ای و موشکهای بالستیک آن بود که بین چهار کشور روسیه، اوکراین، بیلوروس و قزاقستان تقسیم گردید. تقسیم این بخش از قدرت نظامی شوروی خطر گسترش سلاحهای هسته‌ای را برای امنیت جهانی به همراه داشت و بی‌ثباتی پیامد اصلی ظهور چهار قدرت هسته‌ای جدید بود.

کشورهای جانشین شوروی در حالی که درگیر شرایط بی‌ثباتی پس از استقلال بودند و مهمترین اولویت خود را تحکیم امنیت، ثبات و استقلال کشور می‌دانستند به

۱. دکتر سیدرسول موسوی رئیس مرکز مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز است.

تحولات جهانی کمتر توجه داشته و منافع ملی کشور را در همسویی کامل با سیاستهای غربی بخصوص آمریکا می‌دیدند. این نوع نگرش به غرب از روسیه به عنوان بزرگترین و قدرتمندترین دولت جانشین شوروی تا جمهوری‌های بالتیک، آسیای مرکزی و قفقاز مشترک بود.^(۱)

آمریکا از همان ابتدای امر فروپاشی توجه اصلی خود را به سلاحهای هسته‌ای شوروی که بین چهار کشور (روسیه، قزاقستان، اوکراین و بیلوروس) تقسیم شده بود معطوف داشت و اقدام به طراحی راهبردی متناسب با منافع ملی آمریکا نمود و این راهبرد را به این شکل تعریف نمود که در چارچوب مذاکرات کاهش سلاحهای استراتژیک (استارت ۱)^۱ باید تمام تسلیحات هسته‌ای برای نابودسازی بعدی از اوکراین، قزاقستان و بیلوروس به روسیه منتقل شوند. روسیه تنها کشور هسته‌ای جانشین شوروی باشد و بقیه کشورها وضعیت غیرهسته‌ای یافته عضو معاهده عدم گسترش سلاحهای هسته‌ای (NPT) گردند.

روسیه که این راهبرد امنیتی آمریکا را در راستای منافع راهبردی و امنیتی خود می‌دید در یک همکاری گسترده با آمریکا راهبرد خلع سلاح هسته‌ای دیگر کشورهای بازمانده از شوروی را دنبال کرد. انحصار داشتن سلاحهای هسته‌ای و بهرسمیت شناخته شدن روسیه از جانب آمریکا به عنوان تنها شریک گفتگوهای استراتژیک امنیت جهانی امتیازی بود که روسیه در مقابل خلع سلاح هسته‌ای دیگر کشورهای بازمانده از شوروی دریافت می‌کرد.

خلع سلاح هسته‌ای و نابودی موشکهای بالستیک، سیلوهای موشکی و دیگر توانمندی‌های راهبردی جمهوری‌های قزاقستان، اوکراین، بیلوروس تقریباً روند مشابهی را طی کرده است و می‌توان با بررسی روند خلع سلاح یکی از آنها روند کلی خلع سلاح دیگر جمهوری‌های هسته‌ای را مورد مطالعه قرار داد که در این نوشتار قزاقستان به عنوان الگوی نمونه برای مطالعه انتخاب شده است. در سیاست هسته‌ای قزاقستان سه مرحله مشاهده می‌شود:

1. START: Strategic Arms Reduction Talks

مرحله اول: از ۱۹۸۹ شروع شده تا سال ۱۹۹۱ ادامه می‌یابد. این دوره به عنوان دوره‌ای با احساسات شدید ضد هسته‌ای مشهور است. در این زمان تشکل‌های ضد هسته‌ای که مورد حمایت کشورهای غربی هستند به شکل گسترده‌ای علیه فعالیتهای هسته‌ای قزاقستان موضعگیری کرده با تظاهرات خود خواستار متوقف ساختن کلیه آزمایشات هسته‌ای می‌شوند و از دولتهای قزاقستان و روسیه درخواست می‌نمایند که سایت هسته‌ای سمی پالاتینسک را تعطیل کرده و قزاقستان را یک منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای اعلام کنند. این دوره با انجام آزمایش هسته‌ای اوت ۱۹۹۱ در پایگاه یاد شده به پایان می‌رسد.

مرحله دوم: این مرحله از اواخر سال ۱۹۹۱ شروع شده و تا دسامبر ۱۹۹۳ ادامه می‌یابد. این دوره را می‌توان دوره «جستجوی راهبرد ملی» نامید. در این دوره دولتمردان قزاقستان تلاش دارند تا به نوعی از ظرفیتهای به ارث رسیده از شوروی برای منافع راهبردی کشور استفاده کنند و اگر بتوانند به شیوه‌ای تعریف شده بخشی از کنترل سلاحهای هسته‌ای را برای خود حفظ کنند.

مرحله سوم: در این مرحله که با ناامیدی کامل قزاقستان از شرکت در میراث هسته‌ای شوروی آغاز می‌شود، پارلمان قزاقستان معاهده NPT را در دسامبر ۱۹۹۳ تصویب کرده و با خروج آخرین موشک بالستیک از خاک قزاقستان در مه ۱۹۹۵ این مرحله نیز به پایان می‌رسد. مرحله سوم را می‌توان اوج روابط قزاقستان با غرب بخصوص با آمریکا دانست که در این مرحله همکاری گسترده‌ای را بین آمریکا و قزاقستان در خصوص خنثی‌سازی موشکهای بالستیک ICBMs SS18، سیلوها و تعهدات قزاقستان در چارچوب استارت ۱ شاهد هستیم.^(۲) در اجلاس سران کشورهای مشترک‌المنافع در آلماتی که در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ برگزار شد.^(۳) موافقتنامه‌ای بین چهار کشور دارای ظرفیتهای هسته‌ای (قزاقستان، روسیه، بیلوروس و اوکراین) به امضاء رسید که براساس آن این چهار کشور به یک توافق کلی درباره مسایل مختلف مربوط به سلاحهای هسته‌ای در خاک خود دست یافتند.

ماده ۴ و ماده ۵ این موافقتنامه دو شرط ویژه را در اختیار این کشورها قرار می‌داد

براساس ماده ۵ سه کشور قزاقستان، اوکراین و بیلوروس متعهد شدند که به عنوان دولتهای غیرهسته‌ای به NPT ملحق شوند و براساس ماده ۴ این دولتها اجازه یافتند در تصمیمات جمعی مربوط به سرنوشت نهایی سلاحهای هسته‌ای شوروی و استفاده از تسلیحات هسته‌ای تا زمان نابودی کامل آنها شرکت نمایند.

نکته جالب در این دو ماده آن است که آمریکا و غرب خواستار تحکیم وضعیت ماده ۵ بودند در حالی که اوکراین و قزاقستان بیشتر راغب بودند که موقعیت ماده ۴ تحکیم یابد. موضع قزاقستان را در مرحله قبل از خلع سلاح هسته‌ای این کشور در مورد حقوق قزاقستان از میراث تسلیحات هسته‌ای شوروی می‌توان از اظهارات ذیل استنباط کرد:

«در خارج از جمهوری بخصوص در روسیه عده‌ای فکر می‌کنند که تسلیحات هسته‌ای که در قزاقستان قرار دارد باید به روسیه منتقل شود و روسیه باید تنها قدرت هسته‌ای بازمانده از شوروی باشد ولی مردم همه جمهوری‌ها معتقدند که تسلیحات هسته‌ای شوروی توسط تلاش جمعی تمام مردم جمهوری‌های عضو شوروی سابق ساخته شده بود. سطح پایین زندگی مردم شوروی در مقایسه با دیگر کشورهای جهان روی دیگر سکه قدرت هسته‌ای شوروی است (مردم شوروی با فقر خود سلاح هسته‌ای برای شوروی تهیه کرده بودند). سهم قزاقستان در بوجود آمدن این وضعیت از دو جنبه شایان توجه است: اول آنکه سهم‌گذار مهمی از ثروتهای ملی خود برای تهیه سلاح بود و دوم آنکه سرزمین قزاقستان به مدت چهل سال محل آزمایشات هسته‌ای شوروی بود و در این مدت خسارات زیادی به سلامتی انسانها و محیط زیست قزاقستان وارد شده است. بنابراین قزاقستان نمی‌تواند از این حق خود صرف‌نظر نماید.^(۴)»

جهان غرب و بخصوص آمریکا که از استقلال جمهوری‌های شوروی بطور عام حمایت می‌کرد و هر موضوعی را که موجب تشدید واگرایی این جمهوری‌ها از مسکو می‌شد مورد تشویق قرار می‌داد در مورد ادعای این جمهوری‌ها نسبت به حقوق خود از میراث تسلیحات هسته‌ای موضعی منفی و همسو با موضع مسکو اتخاذ کرد و این ادعای قزاقستان را مغایر با امنیت جهانی دانست.

البته یک موضع برای غرب و روسیه مشخص بود. آنکه مقتضیات و اصول کلی پذیرفته شده توسط جامعه جهانی در مورد کشورهای آزاد شده از شوروی اجازه نمی‌داد که بدون توافق و شرکت تمام اعضای شوروی سابق مسایل هسته‌ای آن حل شود و بخصوص همکاری سه جمهوری قزاقستان، اوکراین و بیلوروس در تمام تصمیمات مربوط به سلاحهای هسته‌ای با روسیه امری ضروری بود. روسیه بطور یکجانبه و بدون توافق با این کشورها نمی‌توانست سلاحهای هسته‌ای موجود را به روسیه انتقال دهد و اجازه آن کشورها امری ضروری بود. جمهوری‌های شوروی سابق در بیانیه آلمانی که در ۲۱ دسامبر ۱۹۹۱ منتشر نمودند در قالب موضوع ضرورت توجه به امنیت و ثبات هسته‌ای جهان تلاش نمودند بر حقوق هسته‌ای خود تأکید کنند. در این بیانیه آمده بود: «به منظور تضمین ثبات و امنیت استراتژیک بین‌المللی، نیروهای نظامی استراتژیک و کنترل بر سلاحهای هسته‌ای تحت فرماندهی واحد درخواست خواهند آمد. طرفین، انگیزه طرف دیگر را در تبدیل شدن به کشوری بی‌طرف و یا اتخاذ موضع غیرهسته‌ای محترم خواهند شمرد.» (۵)

البته در ادامه این بیانیه از اعضاء درخواست می‌شود که راههای تبدیل شدن به یک کشور غیرهسته‌ای و یا وضعیت بی‌طرف را جستجو کنند اما آنچه در عمل از این بیانیه که موسوم به بیانیه استقلال است استنباط می‌شود کنترل مشترک برای سلاحهای هسته‌ای مبنایی است که بر اساس آن برای مدت کوتاهی (تا زمانی که این کشورها خلع سلاح هسته‌ای شوند) کشورهای هسته‌ای بازمانده از شوروی دعوی حقوق مشترک هسته‌ای داشته باشند.

کار مشترک در سیاست هسته‌ای، کنترل مشترک و مدیریت سلاحهای هسته‌ای، تعهدات در مورد سلاحهای هسته‌ای، فناوری هسته‌ای، عدم اشاعه، تصویب و اجرای مفاد موافقتنامه استارت ۱ در بیانیه آلمانی به تصویب رسید و در دیگر اسناد مربوط به سلاحهای هسته‌ای توسط جمهوری‌های بیلوروس، اوکراین، قزاقستان و روسیه مورد تأیید قرار گرفت. چهار کشور هسته‌ای بازمانده از شوروی در ابتدا در موضوع امنیت هسته‌ای جهان اعلام می‌داشتند که تعهد مشترک دارند در حالی که مسکو و غرب تأکید دیگر جمهوری‌ها از جمله

قزاقستان بر حقوق خود از میراث هسته‌ای را به اشکال مختلف تحلیل می‌نمودند:

۱. قزاقستان بدنبال آن است تا از سهم خود از تسلیحات هسته‌ای به نوعی امنیت خود را در مقابل روسیه تضمین کند و بعد از گرفتن این تضمین از پرستیژ یک دولت حامی عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای استفاده کند.

۲. قزاقستان در مقابل خروج کامل سلاحهای هسته‌ای از سرزمین خود مقاومت می‌کند تا روسیه را وادار نماید که به تعهدات نظامی خود در مورد امنیت سرزمین قزاقستان عمل کند. (۶)

۳. مهمترین تهدید برای امنیت قزاقستان تهدید بی‌ثباتی سیاسی در روسیه است. اگر روند دموکراتیک در روسیه با شکست روبرو شود و نئولشویک‌ها در روسیه به قدرت برسند آنها خواهان بازگشت شوروی به شرایط گذشته خواهند شد و تلاش خواهند کرد امپراتوری کهن و سیستم توتالیتری را در مرزهای شوروی ۱۹۱۷ احیاء کنند و این خواسته و تلاش آنها در ابتدا توسط نیروهای نظامی از جمله نیروهای هسته‌ای مورد حمایت قرار خواهد گرفت. در چنین شرایطی توانایی هسته‌ای روسیه به عنوان یک چماق هسته‌ای برای نیروهای شوونیستی که تمایل به احیای قدرت گذشته خود دارند تبدیل خواهد شد. بنابراین انحصار سلاحهای هسته‌ای در انحصار روسیه از دیدگاه قزاقستان یک خطای راهبردی محسوب می‌گردد. (۷)

۴. نیروهایی در درون ساختارهای دولتی قزاقستان بخصوص در بین نیروهای نظامی وجود دارند که در پی منافع شخصی خود بوده و بدنبال تجارت هسته‌ای هستند. این عده بدنبال فروش تسلیحات هسته‌ای و راهبردی قزاقستان در بازار سیاه هسته‌ای هستند. (۸)

۵. امنیت قزاقستان به واسطه قرار گرفتن بین دو نیروی هسته‌ای چین و روسیه و با توجه به سابقه اختلافات مرزی چین با روسیه و قزاقستان از طریق حفظ کنترل مشترک بر سلاحهای هسته‌ای شوروی بهتر تضمین می‌گردد.

۶. قزاقستان مجبور است تا زمان تضمین امنیت سرزمینی خود از جانب کشورهای هسته‌ای بر ضرورت حفظ حقوق خود بر میراث هسته‌ای شوروی تأکید نماید.

تحلیلگران غربی بخصوص آمریکایی و کارشناسان عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای در کنار تحلیل‌های مختلفی که از دلایل سیاسی و امنیتی قزاقستان برای اتخاذ موضع ضرورت حفظ حقوق کشور از میراث هسته‌ای شوروی داشتند تلاش داشتند تا رفتار نهایی قزاقستان را در ارتباط با موضع سیاسی اتخاذ شده پیش‌بینی نمایند.

در مورد سیاست‌های قزاقستان در ارتباط با سلاح‌های هسته‌ای مؤسسه رند^۱ سه سناریو و مدل طراحی کرد. قزاقستان برای حل مسایل هسته‌ای خود براساس یکی از این سه سناریو می‌توانست حرکت کند:

سناریو اول: اجرای بدون قید و شرط استارت ۱ و استارت ۲، خارج ساختن تسلیحات هسته‌ای از قزاقستان برای امحاء در روسیه و عضویت بدون قید و شرط در NPT. این سناریو کاملاً منطبق بر منافع ملی آمریکا بود.

سناریو دوم: مدیریت و کنترل مشترک تسلیحات راهبردی از طرف قزاقستان و روسیه. در این سناریو قزاقستان می‌توانست از چتر امنیتی سلاح‌های راهبردی شوروی سابق برای امنیت ملی خود بهره‌برداری نماید.

سناریو سوم: حفظ سلاح‌های هسته‌ای روسیه در قزاقستان در داخل پایگاه‌های روسیه که توسط دولت قزاقستان به روسیه اجاره داده می‌شد. در این سناریو، قزاقستان خود را می‌توانست کشوری غیرهسته‌ای اعلام کند و همزمان از امتیاز وجود سلاح‌های هسته‌ای در پایگاه‌های روسیه در این کشور بهره‌برداری نماید.^(۹)

بعضی از صاحب‌نظران خلع سلاح مانند دبلیو پوت مدیر پروژه خلع سلاح هسته‌ای مؤسسه مونتری معتقد بودند که قزاقستان هر سه روش فوق را مدنظر داشته و تلاش می‌کند منافع امنیتی خود را بین سه مدل فوق به حداکثر برساند. پوت در ۱۹۹۲ در این خصوص می‌نویسد: برای قزاقستان به عنوان یک دولت جوان از بین رفتن ظرفیتهای هسته‌ای شوروی

1. RAND

عملاً یک عدم تضمین در مقابل روندهای مه‌آلود آسیای مرکزی است. تقویت اقتصادی و نظامی یک کشور و بی‌ثبات‌سازی کشورهای دیگر تهدید اصلی برای قزاقستان محسوب می‌گردد. باقی‌ماندن ادعاهای ارضی و اختلافات مرزی، حرکت‌های جدایی‌خواهی و تهدیدات ملی‌گرایانه افراطی و منازعات مذهبی از دیگر تهدیدات امنیتی محسوب می‌شود. بنابراین قزاقستان امحای موشک‌های بالستیک مستقر در خاک خود را نوعی بی‌ثباتی ژئوپلیتیک محسوب می‌کند. (۱۰)

در راستای این تحلیل از حساسیتهای امنیتی قزاقستان رفتار امنیتی این کشور به این صورت تفسیر شد که قزاقستان در صدد است تا یک اتحاد مشترک نظامی - سیاسی با همسایه خود (روسیه) بوجود آورد و در این اتحاد قزاقستان تلاش می‌کند از یک طرف از استقرار سلاح‌های هسته‌ای که در موافقتنامه شوروی و آمریکا برای دوره ۱۹۹۳-۱۹۸۷ منع شده در خاک قزاقستان جلوگیری نماید ولی از طرف دیگر نسل جدیدی از سلاح‌های تک کلاهکی بالستیک را که نقش بازدارندگی دارند در خاک قزاقستان و در پایگاه‌های مشترک با روسیه نگهداری نماید. در این روش قزاقستان می‌توانست خود یک کشوری غیرهسته‌ای باشد و همزمان از چتر امنیتی بازدارندگی سلاح‌های هسته‌ای روسیه استفاده کند.

چنین وضعیتی یادآور شرایط موجود در روابط آمریکا با جمهوری فدرال آلمان در دوران جنگ سرد بود. در چنین شرایطی، قزاقستان امنیت خود را مدیون حضور پایگاه‌های نظامی خارجی (روسیه) در سرزمین خود می‌دانست ولی از یک سیاست مستقل برای استفاده از انرژی هسته‌ای به عنوان یک عضو دارای حقوق کامل جامعه بین‌المللی و عضو NPT برخوردار می‌شد. (۱۱)

قزاقستان در این مرحله تقریباً به این جمع‌بندی رسیده بود که می‌تواند با اتخاذ یک راهبرد مشترک با روسیه مسایل هسته‌ای خود را حل و فصل نماید به نوعی که هم یک کشور غیرهسته‌ای محسوب شود و هم از چتر امنیتی هسته‌ای برخوردار باشد؛ ولی در این زمان قزاقستان با دو مشکل اساسی یکی در سطح داخلی و دیگری در سطح منطقه‌ای روبرو شد که

این کشور را وادار نمود تا راهبرد دیگری را برای سیاست هسته‌ای خود انتخاب کند و با منافع ملی آمریکا همسو شود. مشکل اول قزاقستان که مشکل داخلی بود تظاهرات بزرگ و پیوسته ضد هسته‌ای است که در تابستان ۱۹۹۳ شرایط سیاسی قزاقستان را کاملاً ملتهب ساخت. کنگره ضد هسته‌ای «نوادا - سمی پلاتینسک» در تابستان ۱۹۹۳ تظاهرات وسیعی را در آلماتی برگزار نمود. تظاهرات که با هدف متوقف‌سازی آزمایشات اتمی روسیه در قزاقستان آغاز شده بود با حمایت جناح خاصی از دولت‌مردان روبرو شد و به عنوان یک خواسته دولتی مطرح گردید و در مقابل راهبرد اتحاد با روسیه قرار گرفت.

احزاب سیاسی و حرکت‌های مختلف اجتماعی که از نزدیکی قزاقستان به غرب خصوصاً آمریکا حمایت می‌کردند به شکل گسترده‌ای وارد صحنه شده و از شورای عالی قزاقستان درخواست نمودند تا عضویت بدون قید و شرط قزاقستان را در NPT به تصویب رساند.

مشکل دوم قزاقستان مشکل منطقه‌ای بود که از جانب ازبکستان برای قزاقستان ایجاد گردید. ابتکار اسلام کریم اف رئیس جمهور ازبکستان در اعلام آسیای مرکزی به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای و حمایت سازمان ملل و کشورهای هسته‌ای و کشورهای منطقه از این ابتکار موجب شد تا قزاقستان برای پیشبرد راهبرد دوگانه هسته‌ای خود با مشکل مواجه شود. اسلام کریم اف در اجلاس چهل و هشتم مجمع عمومی سازمان ملل متحد در ۱۹۹۳ این موضوع را مطرح ساخت که مورد حمایت سازمان ملل و کشورهای هسته‌ای واقع شد. قرقیزستان نیز از این موضوع حمایت کرد و در مجامع مختلف بین‌المللی از جمله سازمان امنیت و همکاری اروپا این ایده را دنبال کردند.

قزاقستان به جهت شرایط خاص منطقه‌ای نمی‌تواند در انزوای جغرافیایی قرار گیرد بنابراین ایده آسیای مرکزی به عنوان منطقه عاری از سلاح‌های هسته‌ای که توسط ازبکستان دنبال می‌شد راهبردی بود که در صورت عدم حمایت از آن قزاقستان را با مشکل انزوای منطقه‌ای روبرو می‌ساخت.

مجموعه شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی رهبری قزاقستان را به این جمع‌بندی

رساند که قبول الگوی مورد نظر آمریکا برای حل و فصل مسایل هسته‌ای خود تنها گزینه موجود برای این کشور است و به این ترتیب مذاکرات هسته‌ای آمریکا و قزاقستان در سپتامبر ۱۹۹۳ در آلمانی آغاز گردید. نتیجه حاصل شده از مذاکرات هسته‌ای آمریکا و قزاقستان تعهد کامل قزاقستان برای خلع سلاح هسته‌ای و تعهد آمریکا برای مشارکت در هزینه‌های مالی امحای موشک‌های بالستیک SS۱۸ و دیگر تسلیحات و تأسیسات هسته‌ای قزاقستان بود.^(۱۲)

در ابتدای اکتبر ۱۹۹۳، قزاقستان به عضویت کامل NPT پذیرفته شد^(۱۳) و کلیه تأسیسات هسته‌ای این کشور تحت نظارت آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای IAEA قرار گرفت. قزاقستان متعهد شد اطلاعات مورد نیاز آژانس را دربارهٔ تمامی تأسیسات هسته‌ای خود تهیه نموده و در اختیار آژانس قرار دهد. پذیرش الگوی آمریکایی برای حل و فصل مسایل هسته‌ای قزاقستان نتیجه پیش برد همزمان سیاست نیش و نوش (چماق و هویج) آمریکا بود. مدیریت همزمان آمریکا در اعمال فشارهای سیاسی به قزاقستان در سطوح مختلف داخلی (تظاهرات ضد هسته‌ای) منطقه‌ای (ایده آسیای مرکزی عاری از سلاح‌های هسته‌ای) و بین‌المللی (امنیت جهانی و تهدید بی‌ثباتی) به همراه وعده کمک‌های اقتصادی مجموعه‌ای بود که قزاقستان را به قبول الگوی آمریکایی ترغیب نمود.

قزاقستان با تصویب کامل NPT در شورای عالی (پارلمان) خود به عنوان یک کشور غیر هسته‌ای شناخته شد و روند خلع سلاح هسته‌ای این کشور در راستای موافقتنامه امضاء شده با آمریکا آغاز گردید.

مسایل خلع سلاح

موافقتنامه بین آمریکا و قزاقستان در خصوص نابودی سیلوهای موشک‌های بالستیک، پاسخ متقابل اضطراری و مقابله با گسترش سلاح‌های هسته‌ای در ۱۳ دسامبر ۱۹۹۳ به امضاء رسید.

در جهت اجرای این موافقتنامه نمایندگان وزارتخانه‌های دفاع دو کشور پس از

چندجلسه مشورتی در آلمانی و واشنگتن به این جمع‌بندی رسیدند که بدون کمک‌های اقتصادی و فنی آمریکا امکان امحای تسلیحات و تأسیسات هسته‌ای موجود در قزاقستان وجود ندارد. در این رابطه، قزاقستان یک اعتبار ۱۵۰ میلیون دلاری از بنیاد نون - لوگار^۱ دریافت کرد که این اعتبار صرف تهیه مواد و تجهیزات برای سازماندهی روند امحاء سیلوهای موشک‌های بالستیک شد. همچنین دولت آمریکا متعهد شد تا اورانیوم غنی شده موجود در کلاهک‌های اتمی موجود در قزاقستان را خریداری نماید.

موافقتنامه بین آمریکا و قزاقستان و نحوه اجرای آن نمی‌توانست بدون رضایت روسیه پیش رود. از این رو ضرورت داشت تا به شیوه‌ای مشارکت روسیه در این روند جلب شود. آمریکا در پیشبرد سیاست خود برای خلع سلاح هسته‌ای قزاقستان ابتکار مشورت با طرف روسی را نیز مدیریت نمود و به این طریق توافق راهبردی دو مرحله‌ای در چارچوب توافقات قزاقی - آمریکایی و آمریکایی - روسی شکل گرفت.

مرحله اول: روسیه موشک‌های هسته‌ای را از سیلوها خارج کرده و به روسیه منتقل می‌نماید. پس از آن سیلوها با همکاری مشترک کارشناسان روسی و قزاقی منفجر شده و نتایج انفجار به اطلاع کارشناسان آمریکایی رسانده می‌شود. نقش کارشناسان آمریکایی در این مرحله تهیه مواد مورد نیاز برای امحاء و انفجار سیلوها است.

مرحله دوم: کارشناسان آمریکایی و قزاقی تجهیزات باقی مانده از خنثی‌سازی موتورهای موشک‌های بالستیک را نابود می‌سازند و نتایج نابودی آنها را به طرف روسی گزارش می‌کنند. طرف آمریکایی در این مرحله نیز ماشین‌آلات و امور مالی روند خنثی‌سازی را تقبل می‌نماید. (۱۴)

یکی از موضوعات شایان توجه در زمان اجرای این موافقتنامه اختلاف نظر آمریکا و قزاقستان در خصوص نحوه تقبل و پرداخت هزینه‌های امحاء توسط آمریکا می‌باشد. آمریکا

1. Nunn - Lugar Fund

اصرار داشت که هزینه‌های مربوط به نحوه اجرای تعهدات روسیه - قزاقستان در مرحله نابودی سیلوها از موضوع خنثی‌سازی موتورهای موشکها جدا شود. اما طرف قزاقی اصرار داشت که مرحله دوم باید پس از تسویه حساب هزینه‌های بخش اول شروع شود و موضوع نحوه پرداخت هزینه‌های جبرانی اورانیوم غنی شده مشخص گردد. اختلاف دیگر آمریکا و قزاقستان در این زمان موضوع مربوط به چگونگی نابودی سایت هسته‌ای سمی پالاتینسک بود. قزاقستان می‌خواست تمام مسایل هسته‌ای از جمله مسایل زیست‌محیطی سایت سمی پالاتینسک را در چارچوب موافقتنامه حل و فصل نماید در حالی که واشنگتن معتقد بود که مشکلات زیست محیطی پایگاه مذکور خارج از موافقتنامه منعقد است و موافقتنامه منعقد فقط به بحث خلع سلاح و نابودی تأسیسات هسته‌ای قزاقستان مربوط می‌شود و آمریکا تعهدی در مورد آثار زیست محیطی و آلودگی‌های هسته‌ای در قزاقستان ندارد. (۱۵)

روند خلع سلاح قزاقستان با تفسیر متفاوت آمریکا و روسیه از نحوه اجرای موافقتنامه استارت ۱ با مشکل و پیچیدگی خاصی روبرو گردید. آمریکا معتقد بود که در اجرای مفاد استارت ۱ ضروری است تا در مذاکرات پنج جانبه بین آمریکا - روسیه - قزاقستان - اوکراین و بیلوروس اصول کلی و تمام موضوعات مربوطه مورد توافق قرار گیرد، در حالی که روسیه فقط مذاکرات دوجانبه روسیه و آمریکا را قبول داشت و معتقد بود که روسیه خود موضوع سه کشور دیگر را از طریق قراردادهای دوجانبه و منطقه‌ای حل و فصل می‌نماید. علاوه بر آن روسیه در مجموعه کشورهای بازمانده از شوروی برای خود منافع حیاتی و امنیتی خاصی را در نظر می‌گرفت که نمی‌توانست به آمریکا اجازه دهد در قالب یک قرارداد کاهش تسلیحات به تمام مسایل امنیتی منطقه وارد شود.

روسیه برای حفظ منافع حیاتی و راهبردی خود در منطقه با مجموعه کشورهای مشترک المنافع قراردادهای مختلفی را به امضا رسانیده که در مورد قزاقستان می‌توان به قراردادهای زیر اشاره کرد:

- پیمان همکاری‌های نظامی؛

- موافقتنامه مربوط به اصول اساسی و شرایط بهره‌برداری از پایگاه فضایی بایکنور؛
- موافقتنامه مربوط به نیروهای هسته‌ای مستقر در خاک قزاقستان (پیش از خلع سلاح)؛
- موافقتنامه خنثی‌سازی کلاهک‌های هسته‌ای مستقر در سایت سمی پالاتینسک (پیش از تعطیلی پایگاه)

- موافقتنامه مربوط به نظام بازرسی در روند اجرای استارت ۱ و نیروهای استراتژیک هسته‌ای مستقر در خاک قزاقستان؛

- موافقتنامه همکاری در روند کاهش نیروهای دفاع استراتژیک مستقر در خاک قزاقستان؛

- موافقتنامه نحوه کاربرد نظام هشدار اولیه موشک‌های بالستیک در خاک قزاقستان. (۱۶)
مقایسه موافقتنامه موجود بین آمریکا و قزاقستان با موافقتنامه‌های روسیه و قزاقستان نشان‌دهنده یک موضوع بسیار مهم است. آمریکا و روسیه در بحث خلع سلاح هسته‌ای قزاقستان و نابودی تأسیسات و زیرساخت‌های هسته‌ای این کشور مواضعی کاملاً همسو داشتند؛ در حالی که در مورد جایگاه راهبردی و ژئوپلتیک قزاقستان از دیدگاه‌هایی کاملاً متضاد برخوردار بودند.

روند خلع سلاح هسته‌ای قزاقستان که بدنبال تصویب موافقتنامه استارت ۱ در اکتبر ۱۹۹۳ در شورای عالی (پارلمان) این کشور شروع گردید در آوریل ۱۹۹۵ با انتقال آخرین کلاهک هسته‌ای موجود در قزاقستان به روسیه نهایی گردید و در ۳۱ مه ۱۹۹۵ آخرین قطعات هسته‌ای بازمانده از دوران شوروی در پایگاه هسته‌ای سمی پالاتینسک به وسیله انفجارات شیمیایی نابود گردید و نورسلطان نظر بایف رئیس جمهور قزاقستان به این مناسبت در یک سخنرانی عمومی اظهار داشت:

«... امروز آخرین نقطه در تاریخ بیوگرافی هسته‌ای قزاقستان گذاشته شد. با این عمل یک خط در زیر آن دوره از تاریخ قزاقستان کشیده شد که به نام تاریخ هسته‌ای مشهور بود. این دوره خاک قزاقستان محل آزمایشات هسته‌ای و سلاح‌های هسته‌ای بود. سرزمین قزاقستان محل

نگهداری سلاحهای هسته‌ای بود و مواد اولیه آن برای صنایع هسته‌ای شوروی استخراج و صادر می‌شد. (۱۷)

قزاقستان خلع سلاح شد ولی موضوع غرامتهای مربوط به تأثیرات ناشی از نابودی اورانیوم بسیار غنی شده موجود در کلاهکهای هسته‌ای بدون نتیجه مشخص باقی ماند، مسایل زیست محیطی پایگاههای هسته‌ای، سیلوهای هسته‌ای حل نگردید و نتایج کمکهای اقتصادی آمریکا در جایی به ثبت نرسید.^۱

مسایل غیرهسته‌ای شدن

نتیجه افتخارآمیزی که قزاقستان از خلع سلاح هسته‌ای خود دارد آن است که این کشور داوطلبانه سلاحهای هسته‌ای خود را نابود ساخت و به عنوان یک کشور غیرهسته‌ای عضو NPT شد.

غیرهسته‌ای شدن قزاقستان در درجه اول برای همسایگان این کشور امتیاز مهمی تلقی می‌شود زیرا با توجه به اختلافات ارضی و مرزی موجود بین این کشور و همسایگان و بحرانیهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی که در منطقه وجود دارد قزاقستان غیرهسته‌ای موجب آرامش بیشتر منطقه است. قزاقستان با اعلام خود به عنوان یک کشور غیرهسته‌ای و امضای موافقتنامه‌های NPT و CTBT، حمایت از راهبردهای عدم اشاعه سلاحهای هسته‌ای، حمایت از ایده آسیای مرکزی به عنوان منطقه عاری از سلاحهای هسته‌ای و پی‌گیری ابتکار کنفرانس تعامل و اعتمادسازی در آسیا (CICA)^(۱۸) نقش سازنده‌ای را در امنیت منطقه آسیای مرکزی ایفا می‌نماید؛ در حالی که آگاهان سیاسی معتقدند قزاقستان موفق نشده است مابه‌ازاء متناسب با این سیاست را دریافت کند و از امتیازات در نظر گرفته شده در مفاد موافقتنامه NPT برای کشورهای غیرهسته‌ای بهره‌ای داشته باشد.

۱. یکی از مقامات اوکراینی در جریان گفتگو با نگارنده اظهار نمود که اگر سیلوهای خالی را اجازه داده بودند نگهداری کنیم و در آنها قارچ خوراکی تولید کنیم امروز درآمدمان از کمکهای آن زمان بیشتر بود.

قزاقستان پس از عضویت در NPT تمامی تأسیسات هسته‌ای خود را بر روی بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گشوده اعلام کرد. هانس بلیکس مدیرکل وقت آژانس از ۲۵ تا ۳۰ ژوئیه ۱۹۹۴ از کلیه تأسیسات اتمی قزاقستان بازدید کرد و موافقتنامه مربوط به اجرای پادمان NPT را با توشنکو نخست‌وزیر وقت قزاقستان به امضا رسانید.

هانس بلیکس در کنار بازدید از تأسیسات هسته‌ای قزاقستان با مقامات این کشور در خصوص موضوعاتی چون کنترل صادرات و واردات مواد هسته‌ای، فناوری تجهیزات، تأسیسات و مواد مخصوص غیرهسته‌ای مرتبط با فعالیت‌های هسته‌ای مذاکره نمود. مهمترین موضوع مورد توجه مقامات قزاقستان در مذاکره با هانس بلیکس مسأله جذب کمک‌های مالی آژانس برای مسایل تحقیقات هسته‌ای، سایتهای آزمایش هسته‌ای و راکتورهای هسته‌ای بود که نتیجه مشخصی به همراه نداشت و آنان را به این نتیجه رساند که بدون همکاری با روسیه و آمریکا امکان ادامه تحقیقات در امور هسته‌ای وجود ندارد و قزاقستان نمی‌تواند با تکیه صرف به آژانس نیروگاههای هسته‌ای متوقف شده خود را فعال نماید.

تلاش قزاقستان برای جلب توجه آژانس به فعالیتهای هسته‌ای چین در سین کیانگ و نزدیک مرزهای قزاقستان و رسیدن به یک توافق در مورد نحوه فعالیت قزاقستان در صنایع تولید سنگ معدن اورانیوم قره‌بالتینسک از دیگر موضوعات مورد مذاکره بین قزاقستان و آژانس بود. (۱۹)

تلاش قزاقستان جهت شروع همکاری هسته‌ای با ژاپن در خصوص از بین بردن آلودگی‌های ناشی از انفجارات هسته‌ای خصوصاً در موضوعات مربوط به تشعشعات رادیواکتیو از دیگر زمینه‌های فعالیتهای بین‌المللی قزاقستان در موضوع هسته‌ای محسوب می‌شود. بدنبال امضای یک موافقتنامه همکاری بین آژانس انرژی هسته‌ای قزاقستان با طرف ژاپنی «کمیته قزاقی-ژاپنی همکاری برای امحای سلاحهای هسته‌ای» شکل گرفت و طرف ژاپنی در موضوعاتی چون آموزش نیروهای متخصص و کمکهای فنی تعهداتی را قبول کرد.

قزاقستان موضوع مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی بجای مانده از دوران شوروی را

همواره به عنوان یک حق پایمال شده در مجامع جهانی مطرح می‌سازد. در ژوئن ۱۹۹۷ در اجلاس مجمع عمومی سازمان ملل نظر بایف رئیس جمهور قزاقستان اعلام داشت: «قدرتهای هسته‌ای باید مسئولیت غیرمشروط خود را در مورد آثار آزمایشات هسته‌ای برعهده گیرند» (۲۰)

اظهارات او به مسایل آزمایشات هسته‌ای شوروی در سرزمین قزاقستان باز می‌گردد که انتظار دارد روسیه به عنوان جانشین شوروی با کمک به قزاقستان خسارات گذشته را جبران نماید. از آوریل ۱۹۹۷ قزاقستان تلاش می‌نماید تا در زمینه استفاده از انرژی هسته‌ای فعال شود. در همین رابطه قانون استفاده از انرژی هسته‌ای را شورای عالی قزاقستان به تصویب رسانید اما ظرفیتهای فنی و امکانات مالی قزاقستان امکان فعالیت را در این زمینه برای این کشور فراهم نمی‌سازد و تاکنون طرح انتظارات قزاقستان در مجامع بین‌المللی و آژانس نتیجه مشخصی برای این کشور نداشته است.

متخصصان قزاقستان معتقد هستند که آمریکا در منطقه اولویتهای دیگری دارد و مانند گذشته مایل نیست در موضوعات هسته‌ای با قزاقستان همکاری کند. بنابراین ضروری است تا قزاقستان این بحث را در شکل دیگری دنبال کند.

نتیجه تحقیقات وزارت انرژی قزاقستان در اوایل قرن ۲۱ براین نکته تأکید دارد که نیاز قزاقستان به انرژی روبه افزایش است و با توجه به اینکه گاز طبیعی این کشور از ترکمنستان و ازبکستان وارد می‌شود و انرژی برق قزاقستان از قرقیزستان و روسیه تأمین می‌گردد بنابراین قزاقستان برای سالهای آتی چاره‌ای جز روی آوردن به انرژی هسته‌ای ندارد زیرا بحرانهای موجود در تأمین انرژی این کشور قزاقستان را وادار می‌سازد که به سمت خودکفایی انرژی حرکت نماید و خودکفایی انرژی برای قزاقستان فقط با انرژی هسته‌ای ممکن خواهد بود. اضافه بر آن عدم خودکفایی قزاقستان در تأمین انرژی خود باعث بی‌ثباتی و افزایش تنش خواهد شد؛ زیرا کشورهای صادرکننده انرژی اهداف سیاسی خود را در هنگام صدور انرژی دنبال می‌کنند. قزاقستان برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود را در متقشلاق و در مجموعه اتمی آکتاو متمرکز

ساخته و در صدد است تا با روسیه در این خصوص همکاری خود را گسترش دهد.^(۲۱) البته قزاقستان در کنار روسیه فرانسه را هم به عنوان همکار بالقوه خود در امور هسته‌ای در نظر دارد اما روسیه از دید قزاقستان مهمترین همکار خواهد بود؛ زیرا که وزارت انرژی اتمی روسیه اعلام آمادگی کرده است که از محل پلوتونیوم خارج شده از کلاهکهای هسته‌ای دوران شوروی برای قزاقستان نیروگاه هسته‌ای بسازد و قیمتهای پیشنهادی روسیه به قزاقستان بسیار پایین‌تر از رقبای فرانسوی و کانادایی است.

وزارت انرژی اتمی روسیه در کنار پیگیری موضوع ساخت نیروگاه هسته‌ای برای قزاقستان موضوع سرمایه‌گذاری در منابع و معادن اورانیوم قزاقستان را در دستور کار خود قرار داده است؛ زیرا با توجه به اینکه پیش‌بینی می‌شود در سال ۲۰۱۰ منابع اورانیوم روسیه به پایان برسد منابع اورانیوم قزاقستان برای روسیه هم به جهت استفاده در روسیه و هم با توجه به قراردادهای مهمی که روسیه با هند، چین و ایران در مورد ساخت نیروگاه و تأمین سوخت هسته‌ای به امضاء رسانیده بسیار مهم و ارزشمند تلقی می‌گردد.

نتیجه فعالیت روسیه در صنایع هسته‌ای قزاقستان آن است که روسیه در کنار در دست گرفتن انحصار سلاحهای هسته‌ای بدنبال آن است که انحصار فعالیتهای صلح‌آمیز هسته‌ای را هم در منطقه وسیعی از آسیای مرکزی تا ایران و برخی کشورهای خاورمیانه بدست‌آورد و در نهایت آنکه قزاقستان عضو NPT علی‌رغم داشتن زیرساختهای لازم توانایی بهره‌گیری از این زیرساخت‌ها را بدون نظر روسیه ندارد.

یادداشت‌ها

۱. آندره کوزیروف، همکاری در امر برقراری صلح، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال دوم، شماره ۳ (زمستان ۱۳۷۲) صص ۱۹۵-۲۰۰.

2. Kasenov. O., Elevkenov., Lamulin. M. *Kazakhstan and Non - Proliferation Treaty*, Almati KazISS, 1994, p.4.

۳. محمدرضا دبیری، نهاد حقوقی - سیاسی جامعه کشورهای مستقل مشترک‌المنافع «عامل بازدارنده یا شتاب‌دهنده».

- مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره ۱۲، (زمستان ۱۳۷۴)، صص ۲۷-۴۱، متن اعلامیه
آلماتی (صص ۴۰ و ۴۱)
4. Lamulin. M. The Kazakh Non - Proliferation Policy: Modern Situation and Perspectives of Political Decision - Making. Draft, May 1993, The MHS and PRIF. p.11.
5. محمدرضا دبیری، پیشین، صص ۴۱.
6. Fedorov Y.E. The Nuclear Weapons and the CIS Security Problems. Policies of Russia, Ukraine and Kazakhstan Toward Nuclear Armaments, Moscow, 1993, p.32.
7. Kasenov, Are the Gurantees of the Nuclear Club Reliable? Mys. Almaty, 1993, No.7, pp.12-13.
8. موضوع اتهام فروش بمب اتمی به ایران یا موضوع پیدا شدن پلوتونیم موجود در سلاحهای هسته‌ای قزاقستان در آلمان ازجمله اتهامات محافل غربی در این ارتباط می‌باشد.
9. Murat Lamulin. *The Security, Foreign Policy and International Relationship of Kazakhstan after Independence: 1991 - 2001*, Almaty, Fridnch Eber Stiftung, 2002, p.45.
10. *Ibid.*
11. Abuseitov. K and Lamulin M. Farewell to Arms, *Asia*, No.15, March 1993.
12. عمر سربیک کاسنف، اولویتهای سیاست خارجی جمهوری قزاقستان، ترجمه علیرضا سنجایی، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره ۱۲ (زمستان ۱۳۷۴)، صص ۱۳۹-۱۶۰.
13. همان، صص ۱۴۳، در مورد سیاست هسته‌ای قزاقستان.
14. Murat Lamulin. *The Security, Foreign Policy and ...*, p.54.
15. *Ibid.*, p.56.
16. *Ibid.*, p.57.
17. The Last Point in the Nuclear Biography of Kazakhstan. The Appeal of the President of Kazakhstan to all Citizens of the Republic.// *Kazakhstan and the World Community*, No.2, 1995, pp.112-113.
18. مراد لامولین، امنیت قاره آسیا و اجلاس همکاری و ایجاد اعتماد در آسیا، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، سال چهارم، شماره ۱۲ (زمستان ۷۴)، صص ۱۲۷-۱۳۸.
19. Murat Lamulin. *The Security, Foreign Policy and*, p.52.
20. *Ibid.*, p.59.
21. *Ibid.*, p.63.